درمکتب امام

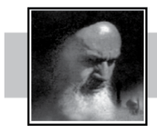

می‌خواهند قانون اساسی اسلامی نباشد

این اختلافاتی که در همه جاهای مملکت هست، و این توطئه‌هایی که برای ایجاد یک خلاف، برای هیاهو بپا کردن هست، معلوم نیست که مِن باب اتفاق همین طور شده باشد. این یک نقشه‌ای است از آنهایی که می‌خواهند قانون اساسی اسلامی نباشد. هم قشرهای خارج و قدرتهای خارج از اسلام می‌ترسند؛ و هم قشرهای منحرف داخل می‌ترسند.

صحیفه امام؛ ج۹؛ ص۱۱۱ | قم؛ ۲۵ تیر ۱۳۵۸

توجه به معنویت ، راهکار مقابله با خطر فرهنگی(۲)

خطر فرهنگی زیربنای همه خطرهای دیگر

فرض کنید کسی که پزشک است بگوید به من ارتباطی ندارد که چه کسی و چگونه کشور را اداره می‌کند یا با دشمنان خارجی و دوستان خود چگونه رفتار می‌کند؛ اما گاهی شـــرایطی پیش می‌آید که به دلیل خیانت مسئولان ـ مانند رژیم گذشته که همه سرمایه‌های ما در دست دشمنان قرار داشت ـ همه هستی انسان بر باد می‌رود؛ دنیا و آخرت او نابود می‌شود. برای مثال، همه،مرکز اسلام را مکه و مدینه می‌دانند؛ بیشترین منابع نفتی و ثروت بادآورده در این منطقه قرار دارد؛ بگونه‌ای که حتی حساب آن نیز در دستشان نیست؛ اگر آنها می‌توانستند این ثروت خدادادی را خودشان استخراج و مدیریت کنند، اول کشور خودشان را آباد و بعد هم سایرعالم اسلام را مدیریت می‌کردند و این، هم افتخاری برای خودشان بود و هم سعادت مردم تأمین می‌شد و با این ثروت هنگفت مسلمانان نیز ارباب می‌شدند و عزت پیدا می‌کردند. اما الان وضعیت چگونه است؛ دشمن این ثروت را با عنوان خرید، استخراج می‌کند و وقتی می‌خواهد پولش را بدهد، می‌گوید چون شـــما را خیلی دوســـت داریم، در عوض پول آن، به شما اسلحه می‌فروشـــیم و با این کار بازار اسلحه‌ســـازی خودشان را رونق می‌دهند. بعد از دادن اسلحه به آنها می‌گوید البته باید زیر نظر من از این اسلحه استفاده کنید و کارشناس آموزش آن را من به شما می‌دهم؛ یعنی رمز آن را فقط در اختیار خودشان نگه می‌دارند و بعد می‌گویند مسلمان‌های همسایه‌تان را بکشید. یعنی چه؟ یعنی با ســـرمایه خودتان برادران دینی، هم‌سنخ و همسایه‌تان را با ثروت خودتان بکشـــید. آیا رسایی از این بیشتر در عالم می‌شود؟ حماقتی بیشتر از این وجود دارد؟ امکان دارد که انسان ثروتش را به کسی بدهد و اسلحه بخرد تا دوست، همسایه، هم‌قوم و همزاد خود را بکشد؟!

نمونه‌ای از وابستگی به دلیل بی‌توجهی به مسیر درست انسانی

اگر بنا باشد در عالم دو کشور وجود داشته باشد که از نظر نژاد، فرهنگ و اقلیم نزدیکترین روابط را با هم دارند، این دو کشـــور حجاز و یمن است. اصل عرب این کشـــورها هستند؛ شـــاید از یک نظر، یمنی‌ها در عربیت اصیل‌تر از حجازی‌ها هم باشند؛ آنگاه دشمن، سرمایه اینها را می‌گیرد و بعد هم منت بر سر آنها می‌گذارد که من در مقابل این دلارها، به شما سلاح می‌دهم و بعد هم می‌گوید برادرهایتان را بکشید! آنها هم قبول می‌کنند؛ چون به آنها می‌گویند اگر این کار را نکنید، فردا حکومتتان را ســـاقط می‌کنیم و پسرعموهای دیگر شما شاه می‌شوند و شما باید نوکری کنید؛ بدبختی از این بالاتر می‌شود؟ فساد بالاتر از این، آن اســـت که افرادی دیگر که با اســـلام سروکار دارند می‌گویند مسلمان‌ها عجب ملت احمقی هستند؛ اینجا که مرکز اسلام است، چه بلایی بر ســـر ثروت‌های خدادادی‌شان می‌آورند؛ اگر اینها عقل، فرهنگ و دین درستی داشتند، خودشان را اداره می‌کردند؛ اینها چطور می‌خواهند دنیا را اداره کنند؟! چرا؟ برای اینکه نفهمیدند برای چه آفریده شدند و دین برای چه آمده است؛ به خیالشان همه اینها آمده است تا آنها به هر شکلی اطفای شهوت و هوسرانی کنند و بعد هم هر چه می‌خواهد بشود. اگر از ابتدا درست می‌فهمیدند، برای چه آفریده شده‌اند و این جامعه، امکانات، ثروت‌ها و معادن برای چه در اختیارشان است، آنگاه عاقلانه‌تر برخورد می‌کردند و این همه زحمت هم برای مسلمانان دنیا درست نمی‌کردند.

اینها را نمی‌توان تقســـیم کرد؛ نمی‌توان گفت من معدن نفت را استخراج می‌کنـــم، ولی کاری ندارم که پولش را چه کســـانی می‌گیرند و با چه معامله می‌کنند و یا اگر به جای آن اســـلحه دادند، چه کسی می‌خواهد این اسلحه‌ها را آموزش دهد و اینکه چرا رموزش را به ما یاد نمی‌دهند؛ مهم نیســـت که هر اسلحه یا هواپیمایی را برای تعمیر به آمریکا بفرستند؛ فعلا پولی بگیریم و چند روزی خوش باشیم و بعد هم هر چه می‌خواهد بشود، مهم نیست.

همـــه باید ایـــن را بدانند که برای چه آفریده شـــده‌اند، به کجا می‌روند و راه خوشـــبختی ابدی‌شان چیست؛ این همان اصول دین، یعنی توحید، نبوت و معاد اســـت. ما برای کســـانی که منکر دین هستند یا در اثر عوامل مختلفی دچار دین‌های انحرافی می‌شوند، ناراحت می‌شویم؛ اما بخشی از آن هم تقصیر خودشان است که همت نکردند.

شاه ؛ ژاندارم منطقه

حدود چند قرن اســـت که ما کمابیش به غرب وابستگی پیدا کرده‌ایم؛ از وقتی که اسلحه آتشین در اروپا ساخته شد، کشورهای اسلامی کمابیش وابسته شدند؛ چون اینها خودشان این تجهیزات را نداشتند و از آنها یاد گرفتند؛ بتدریج پیشرفت‌های صنعتی دیگر نیز به آن ضمیمه شد. این حرکت در کشور ما، بویژه از اوائل دوره قاجار و اندکی قبل از آن شـــروع شد. در بین کشورهای اسلامی، اولین کشوری که با اروپایی‌ها ارتباط پیدا کرد ـ به خاطر استفاده از توپ‌های آتشین ـ کشور ترکیه بود. آنها اسلحه‌های آتشین را از اروپایی‌ها دریافت کردند و با ایران جنگیدند. بتدریج، ما در همه چیز احســـاس ضعف کردیم و کارمان در این اواخر به اینجا رسید که در همه چیز وابسته شدیم؛ یعنی عینا نقشی را که امروز سلطان عربستان ایفا می‌کند، سال‌ها پیش شاه ایران این کار را انجام می‌داد؛ نفت ایران را می‌خریدند و به‌جای آن اســـلحه می‌دادند و می‌گفتند با خلق ظفار در عمان بجنگید! شاه می‌باید سلاح‌هایی را که در مقابل پول نفت ایران گرفته بود، به همراه سربازهای ایرانی به عمان می‌برد و با عده‌ای طرفدار کمونیســـم و مخالف غرب می‌جنگید و ثروت و نیروهای خود را هدر می‌داد، چون آمریکا گفته بود. به تعبیر خودشان، آن روزها شاه ژاندارم آنها در منطقه بود؛ وقتی انقلاب اسلامی رخ داد، این معادلات را بر هم زد. آنها می‌پنداشتند بزودی می‌توان این انقلاب را کنترل کرد؛ بر این اساس می‌گفتند در طی شش ماه یا یک ســـال فاتحه انقلاب اسلامی را می‌خوانیم؛ وقتی نتوانستند این کار را انجام دهند، گفتند تا دو ســـال آن را تمدید می‌کنیم. بعد هم دیدند این تو بمیری، غیر از آن تو بمیری‌هاست؛ بالاخره جنگ عراق را به‌وجود آوردند و هشت ســـال ما را درگیر جنگ کردند؛ اما ملت انقلابی ایران، به برکت راهنمایی‌های امام، روح اســـلام، تشـــیع و آموزه‌هایی که از مکتب امام حسین فراگرفته بود، باز هم تسلیم نشد.

خطر فرهنگی؛ زیربنای همه خطرهای دیگر

بتدریج جایگاه شاه به دو کشور ترکیه و عربستان داده شد؛ ولی خطر فرهنگی که زیربنای همه اینهاست، همچنان باقی است. یعنی این فکر که بالاخره آمریکا کدخداست و باید از او اطاعت کرد و نمی‌توان برای همیشه با او جنگید، همچنان وجود دارد. وقتی از آنها می‌پرسید پس دین برای چیست، می‌گویند دین برای روابط انسان با خداست، اعتکاف کنید، در ماه رمضان روزه و احیا بگیرید، اینها برای دین اســـت؛ اما مســـائل سیاسی و روابط بین‌الملل و این نوع امور به شما ارتباطی ندارد و به تخصص خاص خودش نیاز دارد؛ کســـانی که سی سال در آمریکا زندگی کردند و تربیت شدند، آنها بهتر این نوع مسائل را می‌دانند و باید این کارها را به آنها واگذار کنید. متأسفانه این نوع مسائل هنوز در فرهنگ ما هســـت و امکان دارد به نســـل بعد نیز انتقال داده شود. بخش اول هم که جزء ضروری‌ترین امور است، آنها نیز روزبه‌روز در حال کمرنگ شدن است و به‌جای آن، مسائل اقتصادی و مادی و پیشرفت‌های صنعتی خیلی پررنگ می‌شوند و مسائل معنوی رنگ می‌بازد.

سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی (دام ظله) در دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین ؛ قم ؛ ۹۴/۲/۴

زلال بصیرت در دهه آخر صفر روزهای فرد منتشر می‌شود.

رد پای استارت آپ‌های آمریکایی به کجا می‌رسد؟

نفـــوذ در ارکان حاکمیتی یک کشـــور از جمله شبکه‌سازی در محیط خصوصی اقتصاد و جامعه حریف، به طور معمول بدون وادادگی، همکاری یا خیانت احتمالی برخی عوامل تکیه زده بر کرســـی‌های قدرت، میسر نیست. به همین سبب است که در اسناد وزارت خارجه آمریکا در پرونده «سازمان نفوذ اقتصادی برای تغییرات سیاسی» مکرر بر پیشبرد موازی و همزمان طرح‌های تیم اجرایی خصوصی و دولتی تاکید شده است.

پیـــش از این از نقش مهم تســـهیل‌گری باند «ن.ج» در وزارت ارتباطات برای ایجاد حلقه‌های ضدحاکمیتی در حوزه فناوری‌هـــای نوین مبتنی بر وب و راه‌اندازی چرخه آمریکایی استارت آپ‌های آمریکایی نوشتیم اما پروژه مهم وزارت خارجه آمریکا برای فتح سیاســـی- اجتماعی ایران تا ســـال ۲۰۲۵، نیازمند همکاری عوامل بیشتری در داخل ساختار نظام است. امروز یک کانون قدرت مهم دیگر در پرونده استارت آپ‌های آمریکایی را فاش می‌کنیم.

استعمار فناورانه نوین

«اســـتارت آپ» یک عبارت بـــه معنای ایجاد حلقه‌های ابداعی کســـب و کار نوین با تمرکز بر فناوری است. ذاتا نوعی کارآفرینی مثبت قرن بیست و یکمی است و به واسطه هزینه پایین راه‌اندازی اولیه، راهکار مناسبی برای نجات جوانان بیکار تحصیلکرده از بحران‌های شغلی محسوب می‌شود. اما آنچه که اکنون به شدت مورد انتقاد است واگذاری حلقه‌های آموزش، راه‌اندازی و مدیریت کسب و کارهای نوین به جمعی از مدیران آمریکایی است که خود به این موضوع معترفند که با استراتژی مذکور جوامع مختلف را به مستعمره جدید نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده‌اند. کار به این شکل است که ابتدا چرخه اشتغال اشغال شده و سپس به واسطه ایجاد بحران‌های اقتصادی خود ســـاخته و گروگان‌گیری معیشت مردم، مسیر ایجاد تغییرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دلخواه ریل‌گذاری می‌شود.

دست در جیب ایرانی!

رویه مذکور کاملا جهان ســـومی تعریف شـــده است به نحوی که به طور مثال شرکت گوگل، به عنوان مبدع برگزاری دوره‌های «استارت آپ» در سه روز آخر هفته در جوامع هدف، با هزینه کرد ناچیز موفق شده به بزرگ‌ترین مالک ایده‌های نوین فناورانه در جهان تبدیل شود. ایده‌های پول‌سازی که حاصل عصاره تفکرات نخبگان ملت‌های مختلف است و به واسطه یک ســـرمایه‌گذاری چند هزار دلاری در آغاز زایش طرح، گوگل دست کم تا ۳۰ درصد سود خالص پروژه را از آن خود می‌کند و در بســـیاری از موارد پیش از بهره‌برداری اولیه، به کل طرح را از مالک محلی می‌ســـتاند! این جدیدترین شیوه استعماری نظام سرمایه‌داری است و متاسفانه آگاهی مردم و حتی برخی دولت‌های عقب‌مانده از عواقب برون سپاری حلقه‌های کسب و کار به دزدان کراواتی فکر و سرمایه بسیار کم است.

رونمایی از ساختار نفوذ

در ایران ســـه مرکز پیشـــرو و شناخته شـــده به عنوان «شتاب‌دهنده استارت آپ‌ها» با هدف شناسایی و به اصطلاح حمایت از طرح‌های برگزیده وجود دارد. این مراکز به واسطه ملیت آمریکایی بخشی از مربیان و ارتباط ساختاری آشکار با گوگل و برخی از دیگر شـــرکت‌های سیلیکون ولی- دهکده فناوری‌های آمریکا- به عنوان حامیان مالی اســـتارت آپ‌ها، دانسته یا نادانســـته مجری پروژه نفوذ به حساب می‌آیند. از جملـــه این مراکز می‌توان به کانـــون کارآفرینی ایران، آواتک و مرکز کارآفرینی شـــریف وابسته به دانشـــکده اقتصاد این دانشگاه اشاره کرد.

قدیمی‌ترین مرکز داخلی در این حوزه از دانشکده اقتصاد شریف ســـربرآورد. دانشکده‌ای که از ابتدا نیز با حمایت یکی از اساتید مشـــهور مبلغ و مروج سرمایه‌داری به نام «ع.ن.م» مدیریت شناســـایی، تربیت و اعزام گروهـــی از جوانان نخبه ایرانی به مراکز ضد ایرانی توطئه‌ســـاز در آمریکا را عهده دار بـــود. ع.ن. م مدیر عالی رتبه و طراح بخش داخلی پروژه‌های وزارت خارجـــه آمریکا و داووس به شـــمار می‌رود و پیش از ایـــن حلقه‌های اقتصادی- اجتماعی سرشـــاخه‌های برگزیده تشـــکیلات «رهبران جـــوان جهانی» یـــا «YGL» از جمله سیامک نمازی را در قالب ایجاد ساختارهایی همچون «IBS»، «انجمن بین‌المللی مدیران ایرانی»، «آریانا»، «بریج» و کانون کارآفرینی شـــریف در کنار مجموعه بزرگی از ســـازمان‌های مردم نهاد وابســـته به بیگانه، به وجود آورده است. دولت قبل پس از فتنه ۸۸ و لو رفتن پایگاه مذکور، در رفتاری نه چندان منطقی رای به تعطیلی «دانشکده اقتصاد و مدیریت شریف» به عنوان پایگاه مروج دستورالعمل‌های نظام سرمایه‌داری در حوزه اقتصاد کشور داد. اما به نظر می‌رسد بهترین مسیر برای مبارزه با این اقلیت ســـرمایه سالار، حذف دست آلوده آنها از مســـیر کارشکنی اقتصادی با آلوده‌ســـازی نخبگان داخلی و شبکه‌سازی اجتماعی است.

از کنگره اعتدال تا کارآفرینی آمریکایی

هر ســـه کانون شتاب‌دهنده مذکور از منظر ساختاری به صورت غیررسمی توسط یک لابی قدرتمند نفوذی در داخل یکی از مراکز عالی تحقیقاتی نظام حمایت می‌شوند. به نحوی که به طور مثال فرزند مشـــاور مرکز مذکور از اعضای هیئت موسس هر سه مرکز به شمار می‌رود و پدرش نیز عضو هیئت امناء و رئیس هیئت مدیره است! چند عضو دیگر هیئت امناء مرکز مورد نظر نیز از اعضای همین مرکز تحقیقاتی حاکمیتی به شمار می‌روند.

اما اوضاع زمانی جالب‌تر می‌شود که بدانید رئیس هیئت امناء کانون کارآفرینی ایران، کســـی نیست جز «ح. م»؛ وزیر بدسابقه و پرونده‌دار دولت هاشمی رفسنجانی که احتمالا به واســـطه برخی روابط خاص توفیق راه‌اندازی مهم‌ترین مرکز شـــتاب دهنده «اســـتارت آپ ویکند آمریکایی» در ایران را یافته است.

«محسن م»، فرزند برگزارکننده همایش «تبیین مفهوم اعتدال»، چند ســـالی است که برخلاف سایر اعضای خانواده خود به ایران بازگشـــته است. وی به عنوان مدیر شتاب‌دهنده آواتـــک در یک جمع رســـمی به حضار می‌گوید: «در ســـال ۲۰۱۴ در کشور ما اولین شـــتاب‌دهنده‌ها راه‌اندازی شدند و غیر از آواتک شتاب‌دهنده‌ای با نام دیمومد در دانشگاه شریف نیز شکل گرفته است.»

ارتباط ســـاختاری سه شـــتاب‌دهنده اولیه که همگی با مربیان آمریکایی – اروپایی فعالیت خود را آغاز کردند با تیم مروج نظامات سرمایه‌داری در ایران به حدی است که آواتک در ابتدا دفتر خود را در کوی دانشگاه، طبقه پنجم ساختمان نوساز دانشکده نفت بنا نهاد.

ترمیم ساختار اجتماعی فتنه ۸۸

دیگـــر عضو مهم هیئت مدیره کانون کارآفرینی «علیرضا امیدوار» اســـت که از شرکای قدیمی سیامک نمازی و بیژن خواجه‌پور در مجموعه «گروه آتیه» به شمار می‌رود و موسس مرکز ترویج حاکمیت مسئولیت شرکتی به عنوان یکی دیگر از نهادهای حامی نظام سرمایه‌داری در ایران نیز هست! مرکزی که پیش از این کیهان به طور مبسوط به افشای نقش آن در اجرای طرح و سیاست‌های غیرملی در کشور پرداخته است.

امیدوار مدیر شـــرکت نفت و گاز شل در ایران بوده و در ایام دلالی‌های نفتی شرکت آتیه بهار برای «م.ه»، عضو هیئت مدیره و شـــریک نمازی‌ها بوده است. امیدوار هم اکنون علاوه بر نقش‌آفرینی در ســـاختار اقتصادی پروژه آمریکایی «تغییر ایران»، در حوزه تخصصی نمازی‌ها یعنی «مدیریت سازمان‌های مردم نهاد» نیز فعال است و به «ف.د» رئیس کمیته اجتماعی شورای اسلامی شهر تهران در همین رابطه به صورت رسمی «مشـــاوره» می‌دهد! فعالیت بی‌محابای امیـــدوار در ایران در پروژه‌های جدید وزارت خارجه آمریکا و جان به در بردن وی از عواقب فتنه ۸۸ با وجود اســـناد و داده‌های آشکار همکاری وی با باند نمازی- خواجه‌پور حقیقتا باید برای نهادهای امنیتی کشورمان معمایی باشد.

نفوذ مستمر در ارکان نظام

قابل توجه است که «علیرضا امیدوار» و «بیژن خواجه‌پور» پیش از این در مجموعه کتاب‌های «پژوهش‌های راهبردی در توســـعه اقتصاد ایران» پژوهشگر گروه اقتصاد مرکز تحقیقات عالی نظام معرفی شده‌اند و اولین بار «کارگاه ترویج مسئولیت حاکمیتـــی» را در همین مرکز برگزار نمودند. امیدوار در این کتـــاب، از قول باقر نمازی که متواضعانه یکی از فعالین ترویج مســـئولیت اجتماعی شـــرکت‌ها معرفی شده، طرح مذکور را رفع‌کننده نگاه «استعماری و استثماری» به شرکت‌های نظام ســـرمایه‌داری معرفی کرده و آن را «خنثی‌کننده دیدگاه‌های افراطیون» نسبت به سرمایه و سرمایه‌داری می‌داند.

استحاله مرکز استقلال اقتصادی

با وجود اهمیت پروژه نفوذ در مرکز تحقیقات عالی نظام، پیش قدم شدن دانشگاه شریف به عنوان زایشگاه نسخه‌های بومی اقتصادی، در زمینه‌سازی برای اجرای پروژه تمام آمریکایی اســـتارت آپ‌ها فاجعه‌ای غیرقابل باور است. به نظر می‌رسد دانشکده اقتصاد شریف به اندازه‌ای دچار ضعف محتوایی شده که ایده ساده و ابتدایی برگزاری دوره‌های کارآفرینی مبتنی بر وب را در رفتاری ضدملی، به استارت آپ گرایند گوگل آمریکا واگذار می‌کند و همچون مفهوم وارونه «خصوصی ســـازی» کارگزارانـــی، از عبارت واگذاری پروژه به «نخبگان ایرانی» در توصیف روند مذکور بهره می‌برد تا حساسیت‌های احتمالی که با عنوان «برخی تنگ‌نظری‌ها» به آن اشاره می‌شود را کم‌اهمیت و غیرقابل قبول جلوه دهد.

البته مشـــخص نیســـت فعالیـــت نیروهـــای عملیاتی همچون«رویا ر.» مدیر شبکه‌سازی اجتماعی انگلیس، «بابک د.» مشـــاور بانک جهانی و سازمان ملل یا «لیلی ص.» عضو هیئت مدیره تشکیلات ضدایرانی ناپاک و پایا به عنوان مربی در پروژه مذکور دقیقا چه ارتباطی با «نخبگان ایرانی» دارد؟!

اهمیـــت ماجرا در این اســـت که برخـــی از مدعی‌ترین اســـاتید در حوزه کارآفرینی و اشتغال بومی، از پس طراحی و راه‌اندازی یک دوره عملیاتی چرخه دانشـــگاه و صنعت پس از ســـال‌ها ارتباط ساختاری با دانشگاه‌های آمریکایی و کانادایی و انگلیســـی برنیامدند و ســـرانجام حلقه مذکور را دربست به آمریکایی‌ها واگذار کردند!

ریل‌گذاری فتنه‌های اقتصادی بزرگ

شاید دقیقا به همین دلیل است که «ع.ن.م» تا این اندازه مورد توجه داووس قرار دارد و بنا بود اردیبهشت امسال مدیران شبکه «YGL» بلافاصله پس از حضور در تهران، میهمان وی در دانشکده اقتصاد و مدیریت شریف شوند. سفری که به واسطه هوشیاری دیرهنگام نهادهای امنیتی با تلاش مضاعف رسانه‌ها بالاخره کنسل شد!

دیگر اشـــکال ساختاری مهم شتاب‌دهنده‌های آمریکایی انتقال سهم مالکیت ایده‌های ایرانی فعال و موفق در بازار ایران به سهامداران مستقر در ایالات متحده است. به این ترتیب با وجود این که ساختار مذکور در ایران و بدست برخی نخبگان ایرانی در ظاهر اداره می‌شود مدیریت و حاکمیت اقتصاد حتی در جزئی‌ترین بخش‌ها از دست خواهد رفت. این همان طرحی اســـت که پیش از این نمازی‌ها با مشارکت «آلبرشت فریشن اشلاگر» اتریشـــی، در ابتدای دهه ۸۰ عملیاتی ساختند و از طریق شـــرکت‌های گروه آتیه میلیاردها دلار از اوراق بهادار و ســـهام صنایع ایرانی را به نام سرمایه‌گذاران نامعلوم اروپایی- آمریکایی سند زدند. نتیجه این افزایش قدرت کارشکنی‌های اقتصادی گسترده در بازار ایران پس از شکست بخش میدانی فتنه ۸۸ شد. هم اکنون برخی خانواده‌های خاندان پادشاهی سعودی به واسطه شیرین‌کاری تیم نمازی، مالک بخش‌های گسترده‌ای از صنایع غذایی ایران هستند و به سادگی می‌توانند در بورس و بازار نقش‌آفرینی منفی کنند.

اردوها و پارتی‌های مختلط استارت آپی

شـــتاب‌دهنده‌ها به سرعت در حال زاد و ولد هستند و در کشـــاکش فعالیت انحصاری آنها فضای چندانی برای رشد و توســـعه تشکیلات ســـالم و بومی متشکل از مدیران صنایع و ســـرمایه‌گذاران وطنی باقی نمانده است که بدون فاش کردن ایده‌های جوانان تحصیلکرده و با استعداد ایرانی در برابر «گرگ های سیلیکون ولی»، به ایجاد حلقه‌های سالم کارآفرینی و حفظ نخبگان در داخل کشور، بیاندیشند.

ســـبک برگزاری اســـتارت آپ ویکندهای گوگل پس از افزایش حساســـیت‌ها بر نحوه مدیریت برخی دانشـــگاه‌ها در حوزه روابط فرهنگی دانشجویی به سرعت در حال تغییر است. برگزاری «اردو های مختلط استارت آپی» توسط شتاب‌دهنده‌ها مشـــابه پروسه گوگلی اجرا شده در ترکیه و اصرار بر برگزاری «پارتی‌های شـــبانه» و انتشار تصاویر سبک زندگی ضدایرانی بخش قابل توجهـــی از مربیان «آمریکایی- ایرانی» دوره‌های کســـب و کار آمریکایی، شاید از دغدغه‌هایی با اولویت پایین تر به حساب آید. اما باید توجه کنیم هدف از اجرای عملیات پرخطر مذکور از ابتدا نیز مدیریت «حلقه نخبگان» کشور به دست دشمن با انگیزه مهم ایجاد «تغییرات ماندگار» در حوزه سیاست و گسست نسلی مدیران جوان آینده انقلاب بوده است.

به این ترتیب می‌توان تعمد مدیران ارشد شتاب‌دهنده‌های آمریکایی در انتشـــار سبک زندگی غربی و رفتار خلاف عرف ایرانی را تحلیل کرد.

ترمز شتاب‌دهنده‌های آمریکایی را بکشید!

استارت آپ‌های آمریکایی باید با عجله زیاد متوقف شوند! این موضوعی نیســـت که الزام آن لزوما برآمده از دغدغه‌های امنیتی باشد. پروسه شکار نخبگان ایرانی، پروژه زاد و ولد نسلی نظام سرمایه‌داری، مهندســـی حوزه اشتغال و عملیات برای «تغییر سیاسی- اقتصادی» جامعه مستقل ایرانیان موضوعی نیست که رعایت شانیت، سطح مقام و منزلت شبکه نفوذ منجر به تحمل‌پذیری آن شود.

چرخه بومی اشتغال مبتنی بر فن‌آوری به هر حال در ایران شکل خواهد گرفت و بیرون کردن استارت آپ‌های آمریکایی نه تنها خللی در مســـیر رشـــد و بالندگی جامعه ایرانی ایجاد نمی‌کند بلکه به واسطه حذف آلودگی‌های ساختاری و دست کثیف نظام سرمایه‌داری به تبیین راهکارهای بومی، قابل اتکا و استقلال آفرین نیز منجر خواهد شد. این همان مسیر مهم «پیشرفت درون زاد» است که دشمن علاقه‌ای به حرکت قطار انقلاب در آن ندارد و ترجیح می دهد راهکارهای آینده اقتصاد ایران همواره از «جعبه پاندورا» نظام سرمایه‌داری خارج شود تا به دنبال آن امکان ضربه‌زنی به زیرســـاخت‌های اقتصادی و اجتماعی ایران رزرو باقی بماند.

با استناد به گزارش مغرضانه و دو پهلوی آژانس

رسانه‌های غربی: درست می گفتیم ایران به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای بود!

رســـانه‌های غربی با استناد به اتهام جعلی آژانس علیه ایران درخصوص تلاش برای ساخت بمب هسته‌ای در گذشته، تاکید کردند که موضع‌گیری‌ها علیه ایران درخصوص ساخت سلاح هسته‌ای صحیح بوده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز چهارشنبه گزارش خود درباره مسائل گذشته و حال و همچنین ابعاد نظامی احتمالی (پی.ام.دی) برنامه هسته‌ای ایران را منتشر کرد. آمانو در این گزارش مانند همیشـــه از عبارات دو پهلو اســـتفاده کرد. این گزارش تصریح می‌کند که نشـــانه‌ای از انحراف مواد هسته‌ای ایران وجود ندارد اما در عین حال مدعی شده است ایران تا سال ۲۰۰۹ درگیر فعالیت‌هایی برای ساخت بمب اتمی بوده است!

تنها یک روز پس از انتشار این گزارش، رسانه‌ها و مطبوعات غربی تیترهای مغرضانه‌ای را با محوریت و تمرکز بر فعالیت‌های ایران تا قبل از ۲۰۰۳ منتشر کرده و تاکید کردند که ایران در آن زمان قصد ساخت بمب هسته‌ای را داشته است!

علاوه بر این، قریب به اتفاق این رسانه‌ها بر مخفی ماندن گذشته هسته‌ای ایران اصرار دارند.

به گزارش جام نیوز، روزنامه واشنگتن پست در گزارشی نوشت: ایران درباره فعالیت‌های گذشته‌اش برای ساخت سلاح هسته‌ای حقیقت را نگفته است.

روزنامـــه نیویورک تایمز نیز در مقاله‌ای مدعی شـــد که گذشته هســـته‌ای ایران همچنان تاریک و به صورت یک راز باقی مانده است.

این روزنامه تاکید کرد: گزارش آژانس نشان می‌دهد سران ایران هنوز تمایل ندارند تصویر روشنی از کارهایی که در گذشته در بخش هسته‌ای انجام داده‌اند ارائه کنند.

این روزنامه در پایان با اشـــاره به صحبت‌های کالین پاول وزیر اســـبق خارجه آمریکا درباره اینکـــه «نمی‌توان دانش را بمباران کرد»؛ نوشت: و این عمق دانش ایرانیان درباره تولید تسلیحات هسته‌ای است که برای دهه آینده به عنوان رازهای متعدد برنامه این کشور برای آینده باقی خواهد ماند.

راستی‌آزمایی‌ها کافی نبود!

نشـــریه آمریکایـــی وال اســـتریت ژورنال نیـــز با لحنی زیاده‌خواهانه ضمن انتقـــاد از وعده اوباما در خصوص مبتنی بودن توافق بر «راســـتی‌آزمایی‌های بی‌سابقه» نوشت: ناظران هسته‌ای سازمان ملل باعث ناامیدی از رسیدن به جواب‌های صریح (درباره گذشته هسته‌ای ایران) شدند. این نشریه با اشاره به بخشی از گزارش درمورد سایت پارچین، مدعی شد: ایران هیچ‌گونه شفاف‌سازی درباره آزمایشات مربوط به هسته‌ای که از نظر آژانس در پارچین انجام داده است، ارایه نکرد.

وال اســـتریت ژورنال همچنین اظهار کرد که این گزارش باعث تحقیر سرویس‌های اطلاعاتی غربی درخصوص (اقدامات علیه) دولت‌هایی مانند ایران شـــد و افزود: توافق هسته‌ای به وســـیله‌ای برای توجیهات ایـــران در خصوص عدم فریبکاری تبدیل شـــده اما دولت آمریکا معتقد اســـت که آشکار نشدن گذشـــته هسته‌ای ایران زیاد مهم نیســـت زیرا آنها اطلاعات کاملی از اهداف ایران دارند.

پایگاه خبری هافینگتون پست با بیان اینکه مسئله پی.ام.دی برای توجیه تحریم‌های اقتصادی سخت و اقدام خصمانه علیه ایران استفاده می‌شد؛ مدعی شد: «بعد از ادعای سازمان سیا درخصوص در اختیار داشتن سلاح‌های کشتار جمعی توسط عراق، تاکنـــون بی‌معنی‌تر از این جمع‌بندی (گزارش آژانس) ارائه نشده بود!»

این پایگاه با طرح این ادعا که حتی مجموعه فعالیت‌های مربوط به ساخت سلاح هسته‌ای از توضیحات ارایه شده توسط آژانس کمتر تهدیدآمیز اســـت؛ نوشت:آژانس در هر بخش از گزارش ســـعی در مخفی کردن بی‌پایه بودن اطلاعات خود یا ربط دادن آنها به بخش تجاری یا نظامی غیرمرتبط با هسته‌ای ایران داشته است.

رســـانه‌های غربی این ادعاهای غیرمنطقی خود را در حالی مطرح می‌کنند که متوجه نیستند گذشته هسته‌ای ایران یا هر کشور دیگری به آنها ارتباطی نداشته و همین که ایران تعهدات و موافقت‌هایی را علی‌رغم زیاده‌خواهی‌های ســـران مذاکره‌کننده کشورهای ۱+۵ اعلام داشته است، از سرشان نیز زیاد است.

گفتنی اســـت اعضای شـــورای حکام باید در جلسه ۱۵ دســـامبر- ۲۴ آذر - درباره بسته شدن پرونده مسائل گذشته وحال ایران یا همان پی.ام.دی. تصمیم بگیرند.

از سوی دیگر، «گرت پورتر» روزنامه‌نگار و محقق آمریکایی در مطلبـــی در پایـــگاه «تروت‌آوت» به گـــزارش یوکیا آمانو، مدیـــرکل آژانس انرژی اتمی دربـــاره موضوع ادعایی PMD واکنش نشان داد.

پورتر در ابتدای این یادداشت نوشت: ارزیابی نهایی آمانو درباره موضوعات باقی‌مانده برنامه هســـته‌ای ایران به سمت تأییـــد ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا مبنی بر وجود جنبه‌های تسلیحاتی در این برنامه تا سال ۲۰۰۳ متمایل است.

وی با اشـــاره به موضوع PMD تاکید کرد: نهاد دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل، علی‌رغم اعتراف به نادرستی ادعاهای قبلی، برای حفظ شاکله آنها تلاش کرده است.

ولایتی : سفر سردار سلیمانی به روسیه طبیعی است

مشـــاور رهبر معظم انقـــلاب در امور بین‌الملل با اشاره به سفر سردار سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه به روسیه، این سفرها را طبیعی عنوان کرد و افزود: ابعاد قضیه بسیار گسترده است.

به گزارش فارس، علی‌اکبر ولایتی مشـــاور رهبرمعظم انقلاب در امور بین‌الملل و رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام دیشـــب با حضور در برنامه متن،حاشیه به بررسی آخرین تحولات منطقه و بیان جزییاتی از سفر خود به سوریه و لبنان پرداخت.

ولایتی در این برنامه با بیان اینکه اگر کمک جمهوری اســـلامی به سوریه نبود دولت سوریه ساقط شـــده بود، گفت: در آینده نزدیک برخی کشورهای دیگر که حتی شاید در سطح قدرتهای جهانی باشند، به جبهه مقاومت خواهند پیوست.

وی درخصوص سفرش به سوریه و لبنان نیز اظهار داشـــت: بعد از سفر آقای پوتین به تهران، لازم بود تا هم بشار اسد و هم سید حسن نصرالله در جریان موضوعات قرار بگیرند.

مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین‌الملل با اشاره به سفر سردار سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه به روسیه، این سفرها را طبیعی عنوان کرد و افزود: ابعاد قضیه بسیار گسترده است.

ولایتی بـــا بیان اینکه وضعیـــت منطقه در کوتاه مـــدت و حتی میان مدت به حالت عادی برنمی‌گردد، به موضوع همکاری ایران و روسیه در سوریه اشاره کرد و اظهار داشت: بنای روسها در ســـوریه، هماهنگی با ایران است و اگر گاهی مواضع دیگری داشتند ولی با ما هماهنگ شدند.

وی درخصوص حضـــور داعش در عراق نیز گفت: داعش از کنـــار آمریکایی ها عبور کرد و الرمـــادی را گرفت و آمریکایـــی ها هیچ کاری نکردنـــد و این جنایات در حالیســـت که تعداد سنی‌هایی که به دست داعش کشته شدند بیش از شیعیان است.

فدایی:

اصلاح‌طلبان واقعی باید از جریان فتنه اعلام برائت کنند

**دبیرکل جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی با بیان اینکه نظام سلطه با مطرح کردن مربع هاشمی، خمینی، روحانی و خاتمی به دنبال فریب مردم و ایجاد فهرست موازی در مقابل جامعه مدرسین است گفت